

سحر و شعبده در فقه با تأکید بر مصادیق نوظهور^۱

شهربانو کاهدی*

سید محمد مهدی احمدی**

حسن عابدیان کلخوریان***

چکیده

تاریخ شروع سحر و شعبده در زندگی بشر مشخص نیست؛ زیرا امور خارق‌العاده‌ای هستند که با تحقق امور عادی فرق دارند و با پیش‌فرض‌های عرفی و عادی قابل تصور و تحقق نیستند و از آنجا که دیگران از آوردن مثل آن ناتوانند، همین انگیزه اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی را در کنکاش، تحقیق و تفحص در کیفیت و نحوه تحقق این امور برانگیخته است. زیرا خوارق عادت مشتمل بر غایتی هستند، ولی از آن روی که در نوع غایت و مشروعیت (به معنای الهی بودن) و عدم مشروعیت با هم مختلفند، شناخت این امور امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد، چون مسأله سحر و شعبده خصوصاً در حال حاضر بسیار بزرگ و پیچیده شده و جنبه‌های مختلف قرآنی، فرهنگی، اجتماعی، روحی و روانی و حتی سیاسی را در بر می‌گیرد. تحقیق حاضر قصد ورود به این مقوله پیچیده را به طور خاص دارد، ضمن اینکه تلاش دارد خواننده را با دورنمایی از فرهنگ سحر و شعبده و حکم فقهی آن، در تمدن امروز آشنا سازد.

کلید واژه‌ها: سحر، جادو، اقسام سحر، حکم فقهی اقسام سحر، مصادیق نوظهور.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۲

* دانشجوی دکتری مبانی فقه و حقوق، واحد پردیسان قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسؤول)

skahedi@yahoo.com

** استادیار مبانی فقه و حقوق، واحد پردیسان قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

dr.mh.ahmadi@gmail.com

*** استادیار مبانی فقه و حقوق، واحد پردیسان قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

Mhabet4@yahoo.com

۱- مقدمه

سحر به طور خلاصه علوم غریبه، جادو، شعبده، تعاویذ و وردها به مجموعه اعمال خاصی گفته می‌شود که انسان را به نیروی غیبی که جادوگر به آن ایمان دارد مرتبط می‌سازد و از آنها انرژی می‌گیرد و در کارهای خود از آن استفاده می‌کند. اینها همگی میراث تجربیات روحی و معنوی چندین هزار ساله تاریخ بشریت محسوب می‌شود که با روش و سنت‌های مختلف وجود داشته مثل سنت فراعنه مصر، سنت‌های کابالیستی، سنت کهانت اعراب قبل از اسلام، دوران قرون وسطی جادوی سیاه و سنت ویکانیسم و جادوی مدرن قرن که امروزه در ادبیات تخیلی و سینما رسوخ کرده که در سنت اسلامی کله سر نامیده می‌شود. شیخ بهایی آن را منسجمانه گردآوری کرد که به اختصار کیمیا؛ هنر تبدیل عناصر، سیمیا؛ علم تسخیر، هیمیا؛ علم طلسمات، سیمیا؛ علم هنر، ترکیب تخیل اراده و همچنین عناصر فیزیکی یا علم مانیه تیزم، ریمیا؛ علم شعبده‌بازی و چشم‌بندی به اضافه علم اعداد و اوقاف و منادل ملحقات آن است. در نتیجه علوم غریبه باید به صورت همه جانبه هم بازشناسی شده وهم ارزش واقعی آنها مشخص گردد و نهایتاً جایگاه آنها در فقه و احکام فقهی آنها تبیین شود و از آنجا که سحر هم در این مجموعه قرار می‌گیرد حکم کلی واحدی بر همه علوم غریبه نمی‌شود داد. پس با مسائل جدید روز نیازمند کار جدیدی است چراکه این اعمال امروزه آغشته به خرافات شده است و افرادی سودجو با توسل به این فنون به چپاول اموال مردم ساده‌لوح می‌پردازند. لذا با توجه به اهمیت بحث خرافات و آثار سوئی که در زمینه‌های فرهنگی، روانی، اقتصادی و حتی سیاسی و ... از خود بجای می‌گذارد، باید با برنامه‌ریزی دقیق و آموزشی با گرایش به خرافات مبارزه نمود.

۲- تعاریف لغوی سحر

سحر لفظی است عربی به معنای تغییر دادن ماهیت و صورت واقعی شی به امری غیر حقیقی یا خیالی که مترادف آن در زبان فارسی جادو است (مصاحب، ۱۳۷۶، ۱۳۷۴). در هند باستان سحر را پاتو می‌نامیدند در زبان پهلوی جادوک و در ادبیات زردشتی به معنای دروغ و دروغ‌پرست آورده شده است (گل‌سرخ، ۱۳۷۶، ۱۶-۱۷).

۳- تعاریف مختلف سحر از دیدگاه علماء فقه

اصحاب و علماء امامیه و اهل لغت عباراتشان در بیان لغت سحر مختلف می‌باشد. عبارتست از

چیزی که مأخذ و منشأش لطیف و دقیق باشد و علت آن مخفی است (علامه مجلسی، ۵۹، ۲۷۷) و یا سحر عبارتست از تغییر دادن شیء از صورت اصلی خود (ابن منظور، ۱۴۰۷، ۴، ۳۴۸) و یاسحر عبارتست از خدعه و نیرنگ و شعبده و تردستی به تعبیر قاموس اللغه سحر یعنی خدعه کردن (قرشی بنابی، ۱۳۷۱). یا سحر عبارتست از جلوه‌گر ساختن باطل در صورت حق (زکریا، ۱۳۷۱، ۳، ۱۳۸). یا منظور از سحر تمام فنون است چه با عوامل طبیعی (شعبده‌بازی) چه با عوامل غیرطبیعی چه توسط خود ساحر، چه توسط نماینده‌ای از جن کافر (کهانت) و یا جلب شیطان از راه‌های خاص و کمک‌گرفتن از آنان (جزائری، ۱۴۱۶، ۲، ۱۱۲). مرحوم علامه در کتاب قواعد و تحریر در تعریف اصطلاحی سحر می‌فرماید: سحر عبارتست از کلامی که با آن تکلم کرده یا مکتوبی که آنرا می‌نویسند و یا تعویذی که بکار می‌برند و یا عملی که به‌واسطه‌اش کاری انجام داده که در بدن یا قلب و یا عقل مسحور تأثیر گذارده بدون اینکه ساحر خود مباشرتی داشته باشد و سبب قتل، بیماری، جدایی میان زن و شوهر و دشمنی میان آن دو یا پیدایی محبت شخصی به دیگری گردد (حلی، ۱۳۷۸، ۵، ۳۹۶). مرحوم شهید ثانی در کتاب مسالک معنی سحر را این گونه بیان فرموده: سحر کلامی است که نوشته می‌شود یا رقیه است یا عمل است یا عقد یا اقسام یا عزائم که به سبب این اقسام و عزائم ضرری به غیر وارد می‌شود (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۹، ۵۹۳). سحر امری شگرف است که به امور خارق‌العاده شباهت دارد اما خود خارق‌العاده نیست زیرا اولاً امری آموختنی است و ثانیاً آن با ارتکاب کارهای زشت باعث می‌شود انسان مورد وسوسه قرار گیرد (خرم‌شاهی، ۱۳۶۰، ۲، ۱۱۹۳). قرطبی یکی از مفسران و محدثان بزرگ اهل سنت است که بیان فرموده‌اند: سحر عبارت است از نیرنگ‌های مخصوص که از فرط دقت و نازکی آن جز افراد خاص بدان نرسد و بیشتر آن خیال‌پردازی می‌باشد که عاری از حقیقت است و در چشم کسی که به اسرار کار آگاه نباشد بزرگ جلوه می‌کند (حسینی دشتی، ۶، ۲۱۲). شهید اول در کتاب دروس سحر را:

رُخْنَه: یعنی بخوری که ساحر به واسطه افروختن برخی از اشیاء ایجاد کرده و از آن بهره‌برداری

کند.

تصویر: یعنی تصویر صورت مسحور یا سایر افراد

نَفْث: مقصود دمیدن می‌باشد (به معنای فوت نمودن است که شخص اورادی را خوانده، در آب می‌-

دمد و سپس آب مذکور را به کسی که قصد ایراد ضرر به او را دارد می‌خوراند).

تزکیه نفس: عبارت است از ریاضت کشیدن که بر اثر ریاضت نفس به مرتبه‌ای می‌رسد که

بوسیله آن می‌تواند بر اشخاص اثر بگذارد، بیان کرده است. به هر صورت آنچه که روشن است این است که عبارات اصحاب درباره سحر مختلف است و هر کدام سحر را به گونه‌ای تعریف نموده‌اند ولی همه تعاریف حکایت از آن دارد که در سحر اضرار معتبر است یعنی هر عملی که مضر باشد سحر صدق می‌کند (فخار طوسی، ۱۳۹۱، ۱۶۷).

۴- انواع سحر از نظر علماء مختلف

مرحوم علامه مجلسی رحمه‌الله در کتاب بحارالانوار از قول اهل لغت ابتدا به تعریف سحر می‌پردازد و در مرحله بعد اقسام هشت‌گانه سحر را بیان می‌کند. وی می‌گوید: سحر چیزی است که سبب آن مخفی و ناپیدا است و نمی‌توان آن را کشف کرد. البته سحر در عرف شرع، مختص است به هر امری که سبب آن مخفی باشد و بر غیر حقیقت آن گمان می‌شود و جاری مجرای تمویه و خدعه می‌باشد. علامه مجلسی رحمه‌الله هشت قسم برای سحر بدین شرح بیان کرده است.

۴-۱- سحر کلدانیین (منجمان قدیم)

کلدانیین کسانی بودند که در روزگار گذشته بوده‌اند و ستارگان را می‌پرستیدند و خیال می‌کردند که ستارگان آنها مدبر و تدبیرکننده و اداره‌کننده عالم می‌باشند. از ستارگان است صدور منشاء خیر و شر و سعادات و نحوسات که متوجه مردم می‌شود.

کلدانیان سه فرقه بوده‌اند:

الف- بعضی از کلدانیان کسانی بوده‌اند که خیال می‌کردند که ستارگان در ذات خود واجب (واجب-الوجود) و خالق عالم می‌باشند.

ب- عده‌ای دیگر از کلدانیان کسانی بوده‌اند که خیال می‌کردند ستارگان قدیمند به جهت قدیم‌بودن علتی که مؤثر است در این ستارگان.

ج- دسته دیگر کلدانیان کسانی بوده‌اند که خیال می‌کردند ستارگان حادث بوده و مخلوق می‌باشند، لذا ستارگان را فعال مختار می‌دانستند، یعنی قائل بودند که ستارگان به اراده و عقل خودشان فعالیت می‌کنند و خالق ستارگان، امر عالم را به ستارگان تفویض کرده است. ساحران کسانی بودند که قوای عالیه-ی فعاله را می‌شناختند و مقصود از آن قوا همین قوای سماویه می‌باشد. شخص ساحر می‌دانست که

مثلاً ستارگان هر کدام دارای چه فعالیتی می‌باشند و چه خصوصیتی دارند و نیز می‌دانست که کدام یک بسیط و کدام مرکب و کدام یک از اینها مربوط به عالم علیا و کدام مربوط به عالم سفلی است، بنابراین ساحر با دانستن قوای فعاله و شناخت قوای منفعله و امتزاج این دو اقدام به کارهای خارق العاده می‌نماید (انصاری دزفولی، ۱۴۱۳، ۳۲-۳۴).

۲-۴- سحر صاحبان اوهام و نفوس قویه

قسم دوم از اقسام سحر، سحر صاحبان اوهام و نفوس قویه است؛ یعنی ایجاد امور خارق العاده به وسیله تأثیرات نفسانی که این قسم در کتاب ایضاح مرحوم فخرالمحققین نیز بیان شده است. مانند بیماری که بیماری آن شدید است و طیب به او می‌گوید بیماری شما خوب شده است و او با اعتماد به حرف طیب خیال صحت و سلامتی خود را در سر می‌پروراند و همین امر باعث بهبودی او می‌گردد، چنانکه برعکس آن نیز امکان دارد. بنابراین می‌توان گفت سحر نفوس قویه تأثیر روح انسان بر اشیای خارج از بدن نیز می‌تواند باشد چنانچه برخی از ساحران با نفس قدرتمند خود در دیگران تأثیر می‌گذارند، مانند القای افکار در ذهن دیگری با خواندن افکار دیگران و یا ایجاد تغییر و تحول در اشیای دیگر، مثلاً برخی از ساحران با تأثیر در ذهن انسان، فکری را بر ذهن او القاء می‌کنند سپس به او می‌گویند تو در ضمیرت این فکر را داری و او تعجب می‌کند و یا با قدرت روحی تله‌پاتی فکر او را می‌خواند و موجب تعجب او می‌گردد. یا با اراده قوی خود می‌تواند کارهای خارق العاده انجام دهد. مثل باز داشتن قطار از حرکت (نجفی، ۲۰۱۳۶۲، ۸۲).

۳-۴- استعانت جستن به ارواح زمینی

قسم سوم از اقسام سحر کمک‌خواستن یا تسخیر جن از ارواح زمینی می‌باشد و وجود برخی از ارواح زمینی را برخی از فلاسفه انکار نموده‌اند؛ اما بزرگان فلاسفه به وجود ارواح زمینی قائل شده‌اند و ارواح زمینی به خودی خود مختلف می‌باشند. سپس دسته‌ای از ارواح زمینی خوب و آنها مؤمنین از جن می‌باشند و دسته‌ای دیگر شریر هستند و آنها کافران جن و شیاطین می‌باشند. ارواح ارضیه عبارت است از جن، شیطان و ملک، پس ارتباط نفوس ناطقه به وسیله آنها آسان‌تر از ارتباط نفوس به ارواح سماوی است به لحاظ شدت مشابهت و مشاکلت و اگرچه تأثیر به وسیله ارتباط با ارواح آسمانی اعظم است

بلکه این ارتباط با ارواح زمینی مانند قطره‌ای نسبت به دریا است و گاهی گفته شده است که ارتباط با ارواح زمینی آسان به وسیله‌ی اعمال کمی از رقی و دخن و تجرید حاصل می‌شود این نوع از سحر عزایم و عمل تسخیر جن نامیده می‌شود (کلانتر، ۱۴۱۰، ۳، ۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶، ۴۰-۴۱).

۴-۴- تخیلات و چشم‌بندی (شعبده‌بازی)

قسم چهارم از اقسام سحر، تخیلات و چشم‌بندی می‌باشد. مانند سرنشین کشتی که خود را ساکن می‌پندارد و دریا را متحرک و نیز مانند کسی که سوار ماشین است به عقب نگاه کند خیال می‌کند که زمین راه می‌رود در حالی که زمین ساکن است و ماشین در حرکت می‌باشد. شعبده‌بازی در همین قسم داخل است و آن عبارت است از حرکت سریع به گونه‌ای که موجب برحس انتقال از چیزی را به شبه آن یعنی شعبده حرکت تند و سریع است به گونه‌ای که در اثر آن این حرکت حس انسان از آن چیز منتقل به مشابه آن می‌شود مانند این که آتشی به شکل دایره در چرخش و حرکت است به شکل یک دایره متصل دیده می‌شود چرا که سکون‌هایی که در بین حرکت‌ها فاصله می‌اندازد درک نمی‌شوند (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۲، ۸۴).

۴-۵- اعمال و افعال عجیبه ای که از ترکیب آلات مرکب مکانیکی بر نسبت‌های

هندسی ظاهر می‌شود

قسم پنجم از اقسام سحر، اعمال عجیبی است که از ترکیب آلاتی که بر نسب هندسی ترکیب گشتند ظاهر می‌شود. مانند رقاصی که می‌رقصد و دو سواری که با هم می‌جنگند. علامه مجلسی رحمه‌الله گفته است مانند کسی که بر اسب سوار است و در دست شیپوری دارد و هر ساعتی که از روز می‌گذرد در شیپور می‌دمد بدون این که کسی آن را لمس کند و سپس گفته است: از این اعمال عجیبه صورت‌هایی که اهل روم و هند آن را تصویر می‌کنند حتی بیننده نمی‌تواند تشخیص دهد انسان و غیرانسان را و چنان تصاویری از آنها رسم کرده که خندان و گریان هستند و حتی فرق است بین خنده-ی شماطت‌کننده و این امور خیالی هستند و سحر ساحران فرعون از این نمونه می‌باشد و از این باب است ترکیب صندوق ساعات و علم جراثقال و آن بلندکردن چیزهای سنگین با ابزار سبک و این امور در حقیقت سحر شمرده نمی‌شود، زیرا اسباب آنها معلوم و معین است و کسی که از آنها اطلاع داشته

باشد بر آنها قادر است مگر آن که اطلاع بر آنها بسیار دشوار است و به ناچار اهل ظاهر آنها را سحر محسوب می‌کنند. این همان مواردی است که مرحوم فخرالمحققین آن را خارج از سحر دانسته است اما برخی دیگر از فقیهان از جمله مرحوم علامه مجلسی رحمه‌الله آن را داخل در تحت عنوان سحر می‌داند (حسینی شیرازی، ۱۳۸۵، ۲۶۶).

۴-۶ - کمک گرفتن از خواص ادویه و داروها

خواص عجیب بعضی مواد شیمیایی و ادویه یا تدخین بعضی از گیاهان مثل حشیش که موجب زوال عقل می‌شود یا خوردن بعضی از غذاها که موجب فرح یا حزن بی‌دلیل می‌شود. یا زائل‌کننده عقل باشد و یا ریشه گیاهی که موجب مستی می‌شود. چنانکه اثرات داروها چیزی نیست که راهی به انکار آن وجود داشته باشد، یعنی نمی‌توان انکار نمود که ادویه دارای خواص و آثاری نمی‌باشند و اثر آهن ربا شاهد بر این معنی است که هر جسمی دارای اثر و خاصیتی می‌باشد (فخار طوسی، ۱۳۹۱، ۴، ۱۷۸-۲۰۲).

۴-۷ - تعلیق القلب (دروغ‌گویی)

از اقسام سحر، تعلیق‌القلب یعنی جلب‌نمودن قلب به سوی خود می‌باشد، بدین معنا که شخص ساحر کاری می‌کند که قلوب دیگران به سوی او متمایل گردد. بدین صورت که ساحر ادعا نماید که علم کیمیا و اسم اعظم را می‌شناسد تا عوام به سوی او میل نمایند. در حالی که برای مدعای او اصلی وجود ندارد؛ یعنی در حالی که مدعی، هیچ‌کدام از این امور را دارا نیست و ادعای وی کذب می‌باشد. ساحر ادعا می‌کند که جن از او اطاعت می‌کند و تسلیم او در اکثر امور می‌باشد، پس زمانی که شنونده و بیننده از لحاظ فهم و درک عقل ضعیف باشد و قوه‌ی تمیز آنها کم باشد اعتقاد پیدا می‌کنند که ساحر حق است و برای شنونده و بیننده ترس و وحشت پیدا می‌شود حتی قوای حساس آنان ضعیف می‌گردد و بدین وسیله ساحر قدرت و تمکن پیدا می‌نماید و هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد (انصاری دزفولی، ۳۲، ۱۴۱۳-۳۴).

۴-۸ - نما می (سخن چینی)

از اقسام دیگر سحر، سخن چینی یا نما می می‌باشد. در بخشی از روایت که مرحوم طبرسی در کتاب

احتجاج آن را نقل می‌کند که شخصی زندیق از امام صادق مسائلی می‌پرسد که امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: همانا از بزرگوارترین اقسام سحر نامی می‌باشد. چراکه به وسیله سخن‌چینی بین دو دوست جدایی می‌افتد و دشمنی در بین اشخاص واقع می‌گردد و به وسیله سخن‌چینی خون‌ها ریخته می‌شود و خانه‌ها ویران می‌گردد و هتک حرمت‌ها می‌شود. شحض سخن‌چین بدترین کسی است که بر روی زمین قدم می‌گذارد (طبرسی، جلد ۲، ۳۴۰؛ ری‌شهری، ۱۳۸۱، ۶۴۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۰، ۲۱۰). امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به بخش دیگری از سؤال زندیق می‌فرماید: نزدیک‌ترین اقسام سحر به حق و واقع سحری است که به وسیله آن، سحر دیگری دفع شود یعنی آن قسم سحر که نقش معالج را ایفاء نماید و موجب دفع بلا و رفع گرفتاری از شخص مسحور گردد، نزدیک‌ترین اقسام سحر به واقع و صواب می‌باشد. مانند این که شخص ساحر بر اثر اعمال ساحر انسانی را از مجامعت با همسرش محروم سازد. از بیان اقسام سحر روشن می‌گردد به احتمال زیاد چهار قسم که از کتاب ایضاح نقل شده داخل در سحر حرام باشد؛ اما غیر از چهار قسم اول، از چیزهایی که به نفس ضرر می‌رساند اشکالی در حرمت آن نیست و آن مواردی از سحر که ضرر نمی‌رساند جایز است. سرانجام نزدیک به احتیاط این است که بایستی از همه آنهایی که علامه مجلسی در کتاب بحار نقل کرد، اجتناب نمود (حسینی شیرازی، ۱۳۸۵، ۲، ۲۶۱-۲۶۶) شیخ انصاری پس از ذکر این اقسام به نقل از بحارالانوار می‌گوید: روشن است که قسم چهارم تا هشتم سحر اصطلاحی نیست، بلکه اگر به آن‌ها «سحر» گفته شود، از باب مسامحه و مجاز است (کلاتر، ۱۴۱۰، ۳، ۴۲).

به غیر از مواردی که بیان شد شاید بتوانیم موارد دیگری را هم از نظر بعضی از علماء جزء سحر دانست که عبارتند از:

الف- کارهایی که با استفاده از خواب مغناطیسی و هیپنوتیزم و مانی تیزم و تله پاتی انتقال افکار از راه دور، انجام می‌گیرد گرچه این علوم از آن دسته علمی هستند که می‌توان از آنها استفاده صحیح نمود؛ اما ساحران و برخی از شیدانان از آنها برای اغفال و فریب مردم سوء استفاده می‌کنند که کاربرد غلط علوم مذکور آنها را در سحر داخل می‌کند. از این نوع سحر فقط افرادی متأثر می‌شوند که از قدرت و نیروی تلقین و مهارت این ساحران اطلاع نداشته باشد.

ب- علامه مجلسی در بحارالانوار چشم زخم را نیز جزو جادو می‌شمارد و در استدلال بر این مطلب می‌نویسد: هنگامی که چیزی در نظر انسان خوب جلوه کند حواس او در آن چیز متمرکز می‌شود و این

از قدرت روحی شخص است که در اشیاء یا اشخاص تأثیر می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷، ۶). مرحوم مجلسی در جای دیگری می‌نویسد: انسان‌ها در قدرت روحی متفاوت هستند؛ آنها که از قدرت روحی بالاتری برخوردارند با دیدن چیزی که توجه آنها را به خود جلب می‌کند، به خصوص بیشتر دیدنی‌ها، روحش در آن چیز اثر می‌گذارد و بر اثر خباثت باطنی که برخی دارند ضرری بر آن وارد می‌کنند. پس تأثیر متعلق به روح فرد است؛ همان‌گونه که مرتاض با صرف اراده می‌تواند وسیله‌ای را از حرکت باز بدارد. این‌گونه اشخاص نیز با دیدن چیزی و جلب شدن توجهشان به آن می‌توانند در آن تأثیر بگذارند (همان، ۳۴). بر این اساس، می‌توان چشم زخم را جزو قسم دوم (تأثیر نفس ساحر در محسور) دانست.

ج- از موارد دیگر می‌توان کهنات را نام برد، عملی است که موجب اطاعت اجنه از کاهن و یا به عبارت دیگر، شخص کاهن اجنه را به خدمت می‌گیرد. با آن که کهنات جادو نیست، ولی شبیه جادو می‌باشد.

۵- مصادیق نو ظهور سحر و شعبده مدرن در عصر کنونی

از آنجا که اعتقاد به سحر و شعبده از زمان اولین جوامع بشری وجود داشته و همچنان نیز نقش پر رنگی در جامعه‌ی مدرن پیدا کرده است و استقبال فراوان مردم از سحر و شعبده در طول تمام قرون بشری سبب شده است تا محققان و پژوهشگران آن را به عنوان یک مسأله و آسیب اجتماعی و دینی مورد توجه قرار دهند و به بازنگری آن، در مصداق‌های جدیدش وا دارد، در این تحقیق مختصر سعی شده است تا با ارائه توضیح کوتاهی از مصادیق سحر و شعبده بر فکر و رفتار اجتماعی و نوع تفسیر و تلقی انسانها و تأثیر آن در زندگی بشر و بیان حکم فقهی آنها به مبارزه با چنین باورهای مخربی بپردازیم. بنابراین از نظر نویسنده شاید بتوان مصادیق سحر و شعبده مدرن را در موارد زیر بیان نمود که حکم فقهی آنها نیاز به اجتهاد دارد که عبارتند از:

۱- آلبوم موسیقی و یولن اندره به نام سحر و جادوی والتر که با نام گزاری آلبوم خود به نام سحر و جادو تأثیر آنها را در موسیقی و ابزاردانستن سحر و جادو در رساندن آنها به هدفشان را بیان می‌کند. با این رویکرد می‌توان از سحر به عنوان یکی از تهدیدهای اعتقادی یاد کرد و برای برطرف کردن آثار سوء آن و جلوگیری از سوءاستفاده افراد سودجو و بی‌خرد چاره‌ای اندیشید.

۲- بازی‌های موبایل، رایانه‌ای، حتی ماهواره‌ای: شما یک نفر فراموش ناشدنی در جهانی پر از سحر

و شعبده در زمان قرون وسطی می‌شوید در این بازیها با انواع نیروهای شیطانی روبرو خواهید شد مثل هیولا، عنکبوت‌ها و ... و نقش آفرینی سحر و شعبده در مواردی که بسیار خرافه می‌ماند برای ایجاد جذابیت در بازی مورد استفاده قرار می‌گیرد و معضلی به نام تلقین را به همراه خود می‌آورد. مثلاً آتش‌زدن، ترمیم‌کردن صدمات و ...

۳- سحر و شعبده از طریق ورق‌بازی: فردی به نام دیوید بلین او فیلم مستندی از کارهای خود به نمایش گذاشته که کارهای او به هیچ عنوان شعبده‌بازی و تردستی نیست بلکه فقط می‌توان نام آن را سحر گذاشت. کارهای او فقط با کمک اجنه امکان‌پذیر است که کارهایش هم سحر هم تبلیغ ورق‌بازی می‌باشد که اکثر شعبده‌بازان نیز از این ورق‌ها استفاده می‌نمایند.

۴- داستان‌های رئالیسم جادویی: داستان‌های جادویی مثل عزاداران بیل که مهمترین صورت بکارگیری سحر و جادو در این داستان به صورت جن‌زدگی برخی شخصیت‌ها است می‌باشد.

۵- نصف‌کردن بدن انسان توسط محمود حیدری شعبده‌باز جدید: در حالی که پاهای خود را به دست گرفته در حال قدم‌زدن بر روی سن است. یا ناپدیدکردن انسان از روی صندلی روی سن و ظاهرکردن آن فرد در بین جمعیت تماشاچی این حرکتی است که بارها تماشاچیان با دیدن این شعبده هیجان‌زده شده و حتی عده‌ای از ترس جایگاه خود را ترک کرده و یا پا به فرار گذاشته یا از ترس غش کرده اند. یا اعمالی مثل هیپنوتیزم بر روی شخص حاضر در سالن انجام می‌دهد و او معتقد است شعبده با سحر تفاوت دارد و شعبده یک هنر است.

۶- فیلم‌ها و کلیپ‌های موجود در اینترنت: با نظرخواهی که از بعضی علماء در مورد این نوع فیلم‌ها شده بیان نموده‌اند که اگر فیلم‌ها واقعی بوده و از قابلیت رایانه‌ای در ساخت آنها استفاده نشده می‌توان گفت بسیاری از این کارها نمونه‌های شعبده‌بازی است که از گذشته تا حال به صورت ابتدایی و پیشرفته وجود داشته است به نوعی استفاده از خطای دید مخاطب و مانند آن است برخی از فیلم‌های دیوید کاپر فیلد و کریس آنجل هم مؤید همین احتمال است. اینها نمونه‌های بسیار جدید و دقیق مدرن شعبده‌بازی است و تلاش‌های گوناگون برای افشای رازهای این قبیل کارها صورت گرفته است.

۷- قانون جذب: قوانین سحر و شعبده معمولاً از سوی کسانی استفاده می‌شود که سال‌ها به تمرینات خاصی می‌پردازند تا بتوانند از این طریق وعده‌ها و تعالیم شیاطین استفاده کنند، اما عجیب این است که امروزه قانون جذب به عموم مردم تعلیم داده است و به آنها می‌گوید که شما می‌توانید با این

فرمول و قانون برای خودتان یک زندگی جادویی بسازید مثلاً می‌گویید خودتان را به جای یک فرد پولدار و ثروتمند تخیل و تصور کنید گویا ماشین مورد علاقه‌تان را دارید سوار می‌شوید و تصور کنید، در خانه ویلائی مورد علاقه‌تان را دارید زندگی می‌کنید، به همین ترتیب ثروت و لذت دارایی را به زندگی جذب خواهید کرد (ترجمه معتکف، ۱۳۸۹، ۲۲-۳۲). در صورتی که در قانون جذب مرکز تمام خواسته‌ها باید خداوند و باور قلبی به رحمت او باید باشد.

۸- محققان و دانشمندان دائم در پی کشف راه‌های جدید به منظور توسعه مقوله واقعیت مجازی در زندگی عادی بشر هستند. به طور مثال، هدست‌هایی همانند اچ تی سی وایو* یا آکیلس ریفت تصاویر را طوری نمایش می‌دهند که گویا فرد در همان صحنه حضور دارد؛ این تجربه برای برخی ترسناک و برای بعضی دیگر بسیار هم لذت‌بخش خواهد بود.

اما تلاش محققان به همین جا محدود نمی‌گردد، آنها به تازگی به این فکر افتاده‌اند تا حس لامسه را نیز در دنیای مجازی ممکن سازند و این دنیای غیرواقعی را به طور کامل به واقعیت بدل کنند. شاید تاکنون تصور می‌شد که نمی‌توان چنین حس انسانی را بازسازی کرد زیرا هنوز تکنولوژی‌ای که بتواند حرکات و جنبش‌ها را بازتولید کند، توسعه نیافته است. با این همه کشف و اختراع‌های ریز و درشتی که در چند سال اخیر در حوزه هوش مصنوعی و واقعیت مجازی شاهد آنها هستیم، معلوم نیست آینده انسان به کجا کشیده خواهد شد و این علوم در عین حال که جاذبه بسیاری دارند و هیجان لذت‌بخشی در مغز ایجاد می‌کنند، تا حدی هم ترسناکند زیرا انسان را از زندگی طبیعی و تعامل با محیط و دیگر آدم‌ها دور و دورتر می‌کنند. بنابراین چگونگی استفاده از این تکنولوژی‌های جدید نیاز به اجتهاد علماء برای استفاده از آنها را دارد زیرا گاهی ممکن است در اثر ترس و هیجاناتی که بر فرد وارد می‌شود مشکلاتی را نیز برای او ایجاد نماید که غیر قابل تحمل باشد.

۶- حکم فقهی اقسام سحر از نظر علماء

آنچه که علامه مجلسی در بیان وجوه و اقسام سحر ذکر نموده بعضی از آن در کتاب ایضاح فخر المحققین نیز بیان شده است، بعضی دیگر از اقسام را طبرسی در احتجاج ذکر کرده است همین که این اقسام در معنای معروف سحر داخلند و از نظر اهل شرع از مصادیق سحر بحساب می‌آیند کفایت کرده

در نتیجه اطلاعات تحریم شامل آنها می‌شود مضافاً به ادعائی که فخرالمحققین در ایضاح نموده و حرمت آنها را از ضروریات دین دانسته و مستحل آنها را محکوم به کفر قرار داده است و نیز ادعای مرحوم شهیدین در کتاب دروس و مسالک باینکه مستحل سحر را باید کشت البته اگرچه ما از ادعای اجتماعات منقوله اطمینانی بر حکم بحرمت پیدا نمی‌کنیم ولی ادعای ضرورت دینی از اموری است که موجب حصول اطمینان بحکم و اتفاق و اجماع علماء بر آن در تمام اعصار می‌باشد. لذا در اسلام یادگیری و انجام دادن اعمال سحر و جادوگری به شدت منع گردیده و از نظر تمام علماء حرام می‌باشد و از گناهان کبیره است. در نتیجه در روایات دینی، ساحری را کفر به قرآن، شرک، دوری از رحمت الهی و دین اسلام، بی‌نیازی از بندگی الهی، مایه ورود به جهنم و ساحران را ملعون دانسته‌اند. فقها هم به دلیل آیات و روایات و ضررهای جسمانی و روانی و دینی و اجتماعی که ساحری دارد آن را حرام دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۱، ۱۶۴) و بنا بر قول مشهور کیفر ساحر مسلمان قتل است خواه آن را حلال شمارد یا حرام بداند لیکن کیفر ساحر کافر تعزیر است (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۲، ۸۶). برخی در ساحر مسلمان بین کسی که سحر را حلال می‌داند و غیر او تفاوت قائل شده و قتل را تنها در صورت نخست ثابت دانسته‌اند (خوئی، ۱۳۷۷، ۱، ۲۹۲-۲۹۳). بدون شک سحر با اقرار ساحر ثابت می‌شود، لیکن در اینکه با بینه نیز ثابت می‌شود یا نه معروف قول نخست است (گلیایگانی، ۱۴۱۲، ۲، ۲۷۹). در اقرار نیز آیا یک بار اقرار کفایت می‌کند یا دوبار لازم است؟ برخی احتیاط را دو بار اقرار دانسته‌اند (المدرسی، ۱۴۰۷، ۲۵، ۳۵). همچنین با توجه به اینکه سحر نوعی جهت‌گیری به طرف عوامل غیرالهی است و لذا هم خود سحر و هم فعل ساحر حرام است. آیت‌الله فاضل لنکرانی: اصل سحر و جادو و مراجعه به ساحر و جادوگر برای این امور حرام است و درآمدی هم که از این طریق کسب شود حرام است ولی مراجعه برای بطلان و بی‌اثر کردن سحر اشکال ندارد. آیت‌الله خامنه‌ای در علم سحر و یادگرفتن آن حرام است مگر آن که به منظور غرض عقلایی مشروع باشد (خامنه‌ای، ۱۳۱۸، ۴۴۵) نیز حکم به حرام بودن سحر داده‌اند. قرآن نیز در رابطه با کار ساحران می‌فرماید: «یتعلمون ما یضرهم و لا ینفعهم...» (بقره، ۱۰۲). آنهایی که سحر آموزش می‌دهند چیزی را آموزش می‌دهند که ضرر به آنها می‌رساند نفعی برای آنها ندارد.

۷- جواز دفع سحر با سحر

مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: ممکن است بگوئیم که آیا سحر را با سحر می‌توان دفع نمود یا از نظر شرع این امر جایز نیست. دفع سحر با سحر جایز است و ادله‌ای که ما را از اعمال سحر منع نموده

منصرف بصورتی بوده که از آن غرض راجح شرعی نداشته باشند و اما در فرض مزبور می‌توان گفت نه تنها ادله مانع سحر را تحریم نکرده بلکه دو دلیل نیز بر جوازش وجود دارد.

الف: اصالة الجواز.

ب: اخبار وارده که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۸- نقل اخبار داله بر جواز دفع سحر با سحر

از جمله آنها خبری است در کتاب کافی شریف، از قمی، از پدرش، از شیخی از اصحاب کوفی، وی می‌گوید: عیسی بن سقفی محضر مولانا ابی عبدالله علیه‌السلام مشرف شد و عرض کرد: فدایت شوم، مردی هستم که حرفه‌ام عمل سحر می‌باشد و در قبال این عمل از مردم اجرت می‌گیرم و معاش خود را از این طریق می‌گذرانم و از همین راه مستطیع شده و حج بجای آورده و توفیق ملاقات شما برایم حاصل گردیده و اکنون از این عمل توبه کرده‌ام، آیا راهی برای جبران ماسبق برایم هست یا نیست؟ حضرت فرمودند: گره‌ها را باز کن نه آنکه با سحر کاری بکنی که در امور مردم گره بیاندازی. مرحوم صدوق در کتاب علل الشرایع به همین روایت اشاره کرده و می‌فرماید: در روایتی آمده است که توبه ساحر حل کردن و گشودن است نه عقد کردن و گره زدن. مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: از این رو اینک بعضی از فقهاء فرموده‌اند: مقصود از «حل» باز نمودن امور است از غیر طریق سحر مثل دعاء و خواندن آیات و امثال این دو چنانکه از بعضی از علما نقل گردیده خالی از بعد نیست زیرا یکی سحر نافع و دیگری سحر مضراست.

در روایت محمد بن الجهم از مولانا الرضاء صلوات الله و سلامه علیه این مضمون آمده است حضرت فرمودند: اما هاروت و ماروت دو فرشته بودند که به مردم تعلیم سحر کردند تا ایشان بواسطه آن خود را از سحر ساحرین در امان نگه داشته و کید ایشان را باطل کنند، البته ایندو باحدی سحر را نمی‌آموختند مگر آنکه به او می‌گفتند: ما وسیله فتنه و امتحان شما هستیم مبادا کافر گردید، ولی در عین حال دسته‌ای از مردم بواسطه بکار گرفتن سحری را که مأمور به اجتناب از آن بودند کافر گردیدند، ایشان سحری را که آموخته بودند وسیله تفرقه بین زن و شوهر قرار می‌دادند و حق تعالی در همین زمینه فرموده است: و ما هم بضارین به من احد الا باذن الله. یعنی ایشان بواسطه سحر نمی‌توانستند باحدی ضرری وارد کنند مگر باذن خدا یعنی مگر آنچه را که از علم حق تعالی گذشته بود.

پس از آن مرحوم شیخ انصاری می‌فرمایند: از این ادله داله بر جواز سحر برای دفع سحر که بگذریم می‌گوئیم: ظاهر اخباری که دلالت بر نهی از سحر سحره نموده آن است که مقصود ساحری است که از ضرر آن خائف باشیم چنانچه برخی از اساطین بآن اعتراف نموده و بخاطر همین حلّ سحر را با سحر تجویز فرموده و آنرا به کثیری از علماء امامیه رضوان‌الله علیهم نسبت داده است. ولی مع الوصف مرحوم علامه در بسیاری از تألیفات و تصنیفاتش و نیز شهید علیه الرحمه در کتاب دروس و فاضل میسی و همچنین شهید ثانی از حلّ سحر بواسطه سحر منع فرموده‌اند و شاید وجه فرموده ایشان این باشد که اخبار داله بر جواز را در صورت اعتبار سندشان بر حالت ضرورت حمل نموده‌اند. مقصود از حالت ضرورت منحصر بودن سبب حلیت در سحر می‌باشد، بنابراین صرف دفع ضرر با سحر با امکان آن به غیر سحر از قبیل ادعیه و تعویذات مجوز اعمال سحر نمی‌باشد و لذا جماعتی از علماء از جمله مرحوم شهید اول و ثانی و فاضل میسی و غیر ایشان تعلّم سحر در صورتیکه شخص بواسطه‌اش خود را از سحر ساحرین بخواهد حفظ کند یا غرضش دفع ادعای نبوت از متنبی باشد را تجویز کرده‌اند چنانکه در مورد ادعای پیامبری واجب کفایی است (مکی عاملی، ۱۴۱۷، ۳، ۱۶۴) و مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: معلوم باشد طبق تمام تفاسیری که برای سحر نقل شد جمیع اقسام تسخیرات در تحت آن داخلند و قبلا دانسته شد که مرحوم شهیدین با اینکه اضرار را در تحریم سحر اخذ کرده، و سحر را منحصر به صورتی که مضر بوده باشد نموده‌اند. لذا برخی دیگر از علماء بکار گرفتن سحر را جهت حفظ خود یا دفع کسی که بدان سبب ادعای پیامبری می‌کند جایز ندانسته است (گلپایگانی، ۱۳۷۱، ۱، ۳۴۱).

۹- حکم سحر در فقه عامه

۹-۱- مذهب حنفی

ابو حنیفه می‌گوید: کسی که عمل سحر را حلال بداند کافر است و قتل او واجب می‌باشد، در این مسأله اختلافی نیست و کسی که عمل سحر را حلال نداند و بگوید عمل سحر حرام است مگر این که آن را استعمال کند، چنین فردی فاسق است و قتل او واجب نیست و حکم کسی که به وسیله سحر به عمد کسی را بکشد، وقتی که کسی اقرار به سحر کند و به وسیله سحر او کسی به عمد کشته شود بر او قصاص واجب نیست و این عقیده‌ی ابوحنیفه است. دلیل ما اصل برائت ذمه است و این مورد اگر بخواهد از آن چیزهایی باشد که به طور معمول انسان به وسیله‌ی آنها کشته می‌شود، نیاز به دلیل دارد و نیز بیان

شد هر کس درست نیست غیر خودش را بدون مباشرت با او بکشد، مگر این که به او چیزی بخوراند که به طور عادت کشنده است مانند سم. عبدالقادر عوده در باره ی آرای عالمان مذاهب اهل سنت می نویسد: حرمت تعلم سحر مورد اتفاق است و اعتقاد به آن کفر است و اما در حکم سحر اختلاف نموده اند. مالک بن انس اصبحی پیشوای مذهب مالکی و ابوحنیفه و احمد بن حنبل شیبان پیشوای مذهب حنبلی بر این بینش و عقیده اند که سحر به یادگرفتن سحر و به انجام دادن آن کافر می شود، اعم از این که به حرمت آن اعتقاد داشته باشد یا آن که معتقد به حرمت آن نباشد و بدین سبب کشته می شود، بدون این که در معرض استتابت قرار گیرد و تمسک شده است برای این حکم به روایتی که جندب از رسول خدا صل الله علیه و آله نقل کرده است: «حد سحر ضربه بالسیف» یعنی مجازات سحر این است که با شمشیر کشته شود. بدین سبب برخی از حنیفان معتقدند که زن ساحره باید کشته شود یا این که آنان به کشتن زن مرتد فتوا نداده اند و این بدان سبب است که سحر حداً کشته می شود، نه به صورت ارتداد و استتابت در ارتداد است نه در حد. پس در جایی استتابت است که نصی در میان باشد نه در جایی که نصی در میان نباشد و در این مورد نصی وجود ندارد (جناتی، ۱۳۷۴، ۴۴۸).

۹-۲- مذهب شافعی

در کتاب خلاف آمده است: «اذا أقر أنه سحر فقتل، بسحره متممداً لا يجب عليه القود، قال الشافعي؛ عليه القود دليلنا أن الاصل براءة الذمه...»، هر گاه سحر اقرار کند که سحر کرده و با سحر خودکشی را به عمد کشته است، شافعی معتقد است که سحر بایستی قصاص گردد. دلیل آن را اصل براءة ذمه می-داند (طوسی، ۱۴۰۷، ۵، ۳۳۰). عقیده ی شافعی این است، کسی که عمل سحر را حلال بداند کافر است و بدون هیچ اختلافی، قتل او واجب است. کسی که سحر را حلال نداند و معتقد به حرمت آن باشد؛ اما آن را انجام دهد، فاسق است و قتل او واجب نیست.

۹-۳- مذهب مالکی

مالک بن انس اصبحی بر این عقیده است که سحر به یادگرفتن سحر و به انجام دادن آن کافر می-شود اعم از این که به حرمت آن اعتقاد داشته باشد یا آن که معتقد به حرمت آن نباشد و بدین سبب کشته می شود بدون این که در معرض استتابت قرار گیرد و تمسک شده است بر این حکم، به روایت

جندب از رسول خدا صل الله علیه و آله که فرموده است: «حد ساحر ضربه بالسيف» یعنی مجازات ساحر این است که با یک ضربه ی شمشیر کشته می‌شود. او بر این عقیده است: «ساحر چون عمل سحر را انجام دهد زندیق است و صرف این که بگوید آن را انجام نمی‌دهم - حلال نمی‌دانم - پذیرفته نمی‌شود و اگر به آن اعتراف کرد، قتل او واجب است و توبه اش پذیرفته نیست. دلیل او براءت ذمه و حفظ دما است و کسی که خون ساحر را مباح کند بایستی دلیل بیاورد (صیمری، ۱۴۰۸، ۳، ۲-۷).

۹-۴- مذهب حنبلی

آرای احمد بن حنبل در مورد ساحر بدین شرح است: وی بر این عقیده است که ساحر محکوم به قتل است و چیزی از کفر او نگفته است (پیشین، ۲۸۶). او معتقد است که ساحر به یادگرفتن سحر و به انجام دادن آن کافر می‌شود اعم از این که به حرمت آن اعتقاد داشته باشد یا آن که معتقد به حرمت آن نباشد و بدین سبب کشته می‌شود، بدون این که در معرض استتابت قرار گیرد و تمسک شده است بر این حکم، به روایت جندب از رسول خدا صل الله علیه و آله که فرموده است: «حد ساحر ضربه بالسيف» یعنی مجازات ساحر این است که با یک ضربه ی شمشیر کشته می‌شود (پیشین، ۴۴۸).

احمد بن حنبل در مورد ساحر بر این عقیده است و می‌گوید: ساحر کشته می‌شود و معترض کفر او نشده است و دلیل آنها حفظ دما است و کسی که خون را مباح کند احتیاج به مجوز شرعی و دلیل دارد و کسی که قتل ساحر را واجب بداند استدلال می‌کند به این که عمر گفته است زن و مرد ساحر را بکشید. راوی می‌گوید: سه نفر ساحر کشته شد، یکی از آنها حفصه زوجه‌ی پیامبر صل الله علیه و آله جاریه‌ای داشت که او را سحر کرده بود و او نزد عبدالرحمان بن زید برد و سپس عبدالرحمان او را کشت و این دلالت می‌کند بر صحت آنچه که گفتیم، آن چیزی که از پیامبر صل الله علیه و آله روایت شده است که او فرمودند: امر کردم که مردم را بکشید تا این که آنها بگویند: لا اله الا الله و زمانی که گفتند خون و مال آنان در امان می‌ماند از من به وسیله‌ی آن مگر به حق لا اله الا الله (پیشین، ۵، ۳۳۰).

۱۰- ماهیت شعبده و حکم فقهی آن

تعریف شعبده یعنی حرکت سریع به گونه‌ای که بر بیننده امر مشتبه شده و باعث شود که حس شخص بیننده از چیزی به مشابه آن منتقل گردد، چنانچه آتش متحرک استداره‌ای، دایره متصلی دیده

شود که آن ناشی از عدم ادراک فواصل و سکونات بین حرکات بوده و و سبب آنسرعت حرکت دستی است که آتش را بدینگونه می‌چرخاند. بنابراین شعبده عملیات تأثیرگذار بر قوه خیال است و شعبده‌باز با تصرف در مخیله فرد، انواع شکل‌ها و صورت‌های خیالی را در آن ایجاد نموده و در مرحله بعد با قوه نفسانی خود آن اشکال را در فضایی حسّی به بینندگان منتقل می‌کند؛ به گونه‌ای که آنان، آنها را امری واقعی می‌بینند؛ در حالی که حقیقت آنها نمود است نه بود (زیبیدی، ۱۳۰۷، ۹، ۴۲۶؛ ابن خلدون، ۱، ۴۹۷). و به هر تقدیر دلیل بر حرمت آن سه امر است:

الف: اجماع فقهاء بر حرمت

ب: این است که شعبده امری است باطل لذا داخل در عنوان لهُو بوده و ادله حرمت لهُو شامل آن خواهد بود.

ج: این است که شعبده که همان تردستی باشد، در یکی از اقسام سحر بیان شده است زیرا در اخبار مربوط به سحر اشاره به نوعی گردیده که آن را با چهار لفظ مرادف بیان نموده است یعنی خطفه، سرعه، مخاریف، خفه که هر چهار لفظ به معنای سرعت عمل می‌باشد، بنابراین شامل شعبده نیز که به حرکت سریع تعبیر گردیده می‌گردد و اگر گفته شود، روایت مزبور سندش ضعیف است و به آن نباید استدلال شود. در جواب گوئیم: این ضعف بواسطه اجماع منقول جبران می‌گردد. بنابر این تعریف، آنچه با شعبده پدیدار می‌گردد، امری واقعی است نه خیالی؛ برخلاف سحر که بسیاری از فقهاء آن را خیالی محض می‌دانند. بر اساس این تعریف، تردستی مصداق شعبده نخواهد بود. پس حکم شعبده به معنای دوم از مصادیق سحر به شمار می‌رود و احکام آن را دارد؛ لیکن به معنای نخست (تردستی) آیا حرام است یا نه؟ اختلاف می‌باشد. مشهور فقهاء آن را نیز حرام می‌دانند. بنابر قول به حرمت، آموختن و آموزش دادن آن جهت عمل و نیز گرفتن اجرت در ازای یاد دادن آن حرام و اکل مال بالباطل است (محقق حلی، ۱۱۷، ۱۳۱۸؛ مکی عاملی، ۳، ۱۴۱۷، ۱۶۴؛ علامه حلی، ۱۲، ۱۴۵؛ ادریس، ۲، ۱۳۷۰، ۲۱۸؛ شیخ طوسی، ۴۴، ۳۶۶، ۱۳؛ اصفهانی، ۱۳۵۲، ۳۲۳). در مقابل مشهور، گروهی از معاصران آن را حرام ندانسته‌اند، مگر آنکه عمل حرامی همچون زیان رساندن به مومن بر آن مترتب گردد (سیستانی، ۱۳۷۱، ۲، ۱۲؛ حکیم، ۱۳۷۳، ۲، ۲۱؛ خوئی، ۱۳۷۱، ۷-۲، ۸؛ تبریزی، ۱، ۱۳۹۱، ۱۶۸).

۱۱- نتیجه‌گیری

علوم غریبه باید به صورت همه‌جانبه هم‌بازشناسی و تعریف‌شده و هم ارزش واقعی آنها مشخص

گردد و نهایتاً جایگاه آنها در فقه و احکام فقهی آنها تبیین شود سحر هم در این مجموعه قرار می‌گیرد. چرا که حکم کلی واحدی بر همه علوم غریبه نمی‌شود داد لذا با مسائل جدید روز نیازمند کار جدیدی است، زیرا بحث سحر به‌عنوان یک علم هویتی مستقل دارد. دانشی است و کتب دارد و به صورت سینه به سینه و استاد و شاگرد منتقل می‌شود. البته ذوق شخصی نیز در آن دخالت دارد. علاوه بر این بُعد استقلالی و هویت ذاتی علم سحر که قاعدتاً موضوع و محمولی دارد که چون تسلط به آن نداریم نمی‌توانیم دقیق راجع به آن سخن بگوییم. زیرا سحر در چند علم دیگر مورد توجه قرار گرفته است از جمله در علم کلام، طب، شیمی. زیرا با نگاه واقع بینانه باید گفت که آن چه امروزه در جامعه مان رواج دارد چیزی جز توهم سحر و شعبده نیست و برخی از این طریق و با ادعای توانایی در این زمینه ابزاری برای ترس دیگران از خودشان و تمکین نمودن آنان در قبال زیاده خواهی هایشان فراهم آورده‌اند در واقع امور مربوط به سحر و شعبده همانند امور تخصصی دیگر تنها در اختیار عده معدودی است و ورود در این عرصه که به عرصه علوم غریبه مشهور است در توان و قدرت هر کسی نیست. پس باید گفت اگر منظور غیرحقیقی بودن سحر تأثیرنداشتن آن است که بعید است، زیرا به هر حال ممکن است در برخی از نفوس موثر باشد و آنها را متغیر و متحول کند. این مطلب از محتوای برخی از آیات فهمیده می‌شود (بقره، ۱۰۲) که اشاره به یادگیری سحر را از دو فرشته هاروت و ماروت که مشروط به اذن و اراده خدای تعالی است که به طور ضمنی تأثیر خاصی را برای سحر قائل شده است. و از طرفی تلبیس و تخیلی بودن سحر نیز ریشه در قرآن دارد (طه، ۶۶) از نظر قرآن سحر و شعبده تنها در فکر و چشم انسان اثر می‌گذارد، بدون آن که حقیقت شی خارجی نیز تغییر پیدا می‌کند بنابراین لفظ سحر و شعبده در عرف به هر امری که سبب آن مخفی است و با تخیل چیزی را برخلاف حقیقی جلوه می‌دهد و نوعی از دروغ و فریب است اطلاق می‌شود. لذا این علوم پایین‌تر از شأن آدمی است که صرف این علوم غریبه هر چند حلال باشد نماید و اگر انسان طریق انسانیت را در پیش بگیرد، خود به خود این دانش‌ها و بلکه بالاتر و برتر از آنها به او ارزانی می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن الکریم .
- ۲- ابن ادریس ، محمد بن محمد، (۱۳۷۰)، السرائر الحادی لتحریر الفتاوی، انتشاراتی جامعه المدرسین حوزه علمیه قم، قم.

- ۳- السنجاری، محمد بن ابراهیم، (۱۳۷۷)، موسوعه موجزه فی العلوم الغربیه الاسلامیه، مکتبه لبنان، بیروت.
- ۴- المدرسی، سید محمد تقی، (۱۴۲۷)، مهذب الاحکام، دارالقاری، بیروت.
- ۵- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۳)، مکاسب محرمه مجمع الفکر الاسلامی، قم.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۷)، لسان العرب، دار صادر بیروت، لبنان.
- ۷- اصفهانی، ابو الحسن، (۱۳۵۲)، وسیله النجاه انتشاراتی نیکنام، قم.
- ۸- برن راندا، قدرت، (۱۳۹۴)، ترجمه نفیسه معتکف، انتشاراتی لیوسا، تهران.
- ۹- تبریزی، جواد، (۱۳۹۱)، ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، انتشاراتی مطبعه مهر، قم.
- ۱۰- جزائری، سید محمد جعفر، (۱۴۱۶)، شرح مکاسب محرمه، بی جا، طلیعه نور، قم.
- ۱۱- جناتی شاهرودی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۴)، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، انتشاراتی کیهان، تهران.
- ۱۲- حسینی دشتی، سید مصطفی، (۱۳۸۵)، دائره المعارف جامع اسلامی، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران.
- ۱۳- حلّی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۷)، تحریر الاحکام، قم، مؤسسه امام صادق، قم.
- ۱۴- حسینی شیرازی، محمد، (۱۳۸۵)، ایصال المطالب الی المکاسب، انتشارات علمی، تهران.
- ۱۵- حکیم، سید محمد سعید طباطبائی، (۱۳۷۳)، منهاج الصالحین، دار الصفوه بیروت، قم.
- ۱۶- خرمشاهی، بهاءالدین، (۱۳۶۰)، دائره المعارف، انتشارات حکمت، تهران.
- ۱۷- خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران.
- ۱۸- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۱)، فقه جعفری، رساله عملیه اجوبه الاستفتائات، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.
- ۱۹- خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهه، داوری، قم.
- ۲۰- ذهنی تهرانی، سید محمدجواد، (۱۳۶۹)، تشریح المطالب، انتشاراتی حاذق، قم.
- ۲۱- ری شهری، محمد مهدی، (۱۳۸۹)، مترجم حمید رضا شیخی، میزان الحکمه، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، قم.
- ۲۲- زبیدی، مرتضی، (۱۳۰۷)، تاج العروس جواهر القاموس، دار الفکر، بیروت.
- ۲۳- زکریا، احمد ابن فارس، (۱۳۷۱)، معجم مقیاس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
- ۲۴- زمخشری، محمود بن عمر، (۵۲۸)، الکشاف، بیروت، دار الکتب، لبنان.
- ۲۵- سیستانی، سید علی حسین، (۱۳۷۱)، منهاج الصالحین، مکتب آیه الله العظمی السید سیستانی، قم.
- ۲۶- شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰)، خلاف، دار الکتب العربی، قم.
- ۲۷- صیمری، مفلح بن حسن، (۱۴۰۸)، تخلص الخلاف، مکتب آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم.
- ۲۸- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان، جامعه المدرسین حوزه علمیه قم، قم.

- ۲۹- طبرسی، احمدبن علی، (۱۳۸۶)، الاحتجاج، دار النعمان، نجف.
- ۳۰- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۷۱)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، مؤسسه نشرالاسلامی، قم.
- ۳۱- فخار طوسی، جواد، (۱۳۹۱)، در محضر شیخ انصاری، شرح محرمه، دار الحکمه، قم.
- ۳۲- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس اللغه، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- ۳۳- قربانی، زین‌العابدین، (۱۳۶۳)، به سوی جهان ابدی، انتشارات شفق، قم.
- ۳۴- کلانتر، محمد، مکاسب الشیخ المرتضی انصاری، (۱۴۱۰)، منشورات مؤسسه النور للمطبوع، بیروت.
- ۳۵- گلسرخی، ایرج، (۱۳۷۷)، تاریخ جادوگری، نشر علمی، تهران.
- ۳۶- گلپایگانی، محمدرضا، (۱۳۷۱)، هدایه العباد، دار القرآن الکریم، قم.
- ۳۷- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- ۳۸- محقق حلی، ابو القاسم نجم الدین، (۱۳۱۸)، مختصر نافع، مؤسسه مطبوعات دینی، قم.
- ۳۹- مصاحب، غلامحسین، (۱۳۷۴)، دائره المعارف فارسی، شرکت‌های سهامی کتاب جیبی.
- ۴۰- مکارم شیرازی، (۱۳۸۲)، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- ۴۱- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیه، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- ۴۲- مکی عاملی، محمدبن جمال الدین، (۱۳۶۹)، الروضه البهیمه، دار الفکر، قم.
- ۴۳- نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، لبنان.
- ۴۴- والری، سانفو، (۱۳۸۰)، ترجمه محمد جمالیان، تله پاتی عملی، چاپخانه حیدری، تهران.